



# مدیرانه

شماره دوم، سال اول، آبان ۱۳۹۹

انجمن اسلامی دانشجویان مستقل  
دانشکده مدیریت دانشگاه تهران

# مدیرانه



انجمن اسلامی دانشجویان مستقل  
دانشکده مدیریت دانشگاه تهران


**زیر نظر شورای سردبیری**

**مدیر مسئول:**

سارا عوادزاده

**طراحی و صفحه آرایی:**

محمد مهدی تورک

 @deraye\_management

 @deraye\_management

## فهرست

### مالی و سرمایه گذاری

۲ پول یا ارز فیات چیست؟

۴ تحلیل تکنیکال

### نبض بورس

۶ انتخابات امریکا و بورس ایران

۷ ارز دیجیتال و بورس

### بانوی مدیر

۹ یادداشت‌های یک بانوی مدیر

### روانشناسی کار

۱۰ بازی زندگی را بازی کن ...

### معرفی کتاب

۱۱ ای کاش وقتی ۲۰ ساله بودم می‌دانستم

### مدیریت دولتی

۱۴ مفاهیم بنیادین مدیریت دولتی

### دل نوشته

۱۶ پدر رفت و سوار آمد | راه حرم





### سخن سردبیر | سارا عوادزاده

به توکل نام اعظمت در این روزها و شرایط بحرانی بیماری کرونا و رکوردهایی که هر روز صدای شکستن آن‌ها بیشتر می‌شود شنیدن کلمه مدیریت بارها و بارها در طول روز تبدیل به امری عادی شده است. عدم رعایت پروتکل‌های بهداشتی اصناف مختلف و نبود نظارت و مدیریت کارا و اثربخش و فعالیت‌های کاسبان در بازارهای بزرگ و کوچک شهرهای کشور باعث ایجاد موج‌های متعدد بیماری و قرمز تر از قرمز شدن شهرهای کشور شده است. ورشکسته شدن و خسارت‌های بالایی که بسیاری از صنایع همچون صنعت گردشگری به علت نداشتن چشم انداز برای چنین شرایطی متحمل آن شده‌اند تجلی دیگری از مدیریت را این بار در کسب و کارها و در شرایط بحرانی را برای ما نمایان می‌کند. این‌ها تجلی کوچکی از پیوند مدیریت با زندگی روزمره ما در ابعاد مختلف سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، آموزشی و ... است. پس از انتشار شماره اول و استقبال و لطف اساتید محترم دانشکده مدیریت دانشگاه تهران و دانشجویان و خوانندگان و دریافت انتقادات و پیشنهادات سازنده با عزمی راسخ تر از گذشته بر آن شدیم تا نشریه ای وزین در شان نگاه خوانندگان مدیرانه آماده کنیم تا کمکی به ارتقای این علم و بیان مسائل مدیریتی در جنبه‌های گوناگون داشته باشیم. در انتها افرادی که تمایل به همکاری و یا بیان انتقادات و پیشنهادات دارند که در شماره‌های بعدی آن‌ها را منعکس کنیم به آیدی درج شده مراجعه فرمایند. به امید ریشه کن شدن بیماری کرونا و از سرگیری فعالیت‌های حضوری دانشگاه‌ها

 @saraavadzadeh



# مالی و سرمایه‌گذاری

## ارز فیات چیست؟ | محمدرسول ملاحجفری

### پیدایش پول فیات

ارز فیات یا پول بی‌پشتوانه مانند دلار آمریکا، در واقع یک پول قانونی است که ارزش خود را از دولت صادرکننده‌اش می‌گیرد و برخلاف پول کالایی ارزش آن به یک کالای فیزیکی بستگی ندارد. فیات از واژه لاتین به همین نام و به معنی «بگذارید انجام شود» گرفته شده است. دولتی که پول فیات را چاپ می‌کند، عامل تعیین کننده در ارزش آن است. در حال حاضر بسیاری از کشورها از سیستم ارز فیات برای خرید کالا، خدمات، سرمایه‌گذاری و سپرده‌گذاری استفاده می‌کنند. این سیستم پولی در واقع جایگزین استاندارد طلا و پول کالایی شده است.

منشا پیدایش پول فیات به قرن‌ها پیش در کشور چین و زمانی که استان سیچوان تصمیم گرفت پول کاغذی خود را در قرن 11 چاپ کند، برمی‌گردد. در ابتدا این پول به ابریشم، طلا یا نقره قابل تبدیل بود. اما در نهایت با روی کار آمدن قوبلای خان، سیستم ارزی فیات را در قرن 13 به راه انداخت. این سیستم ارزی برای امپراتوری مغول

گران تمام شد، به طوری که مورخان هزینه‌کردن‌های بی‌رویه و ابرتورم ناشی از آن را از دلایل اصلی سقوط این امپراتوری می‌دانند. در قرن 17م پول فیات در قاره اروپا و کشورهای اسپانیا، هلند و سوئد نیز مورد استفاده قرار گرفت. سیستم ارز فیات در سوئد با شکست مواجه شد و دولت آن را با استاندارد نقره جایگزین کرد. در دو قرن آتی، فرانسه نو و مستعمرات سیزده‌گانه در آمریکای شمالی نیز این سیستم را به کار گرفتند و بعدها دولت فدرال ایالات متحده نیز از آن استفاده کرد.

در قرن 20م میلادی دولت ایالات متحده بار دیگر به سیستم پول کالایی تغییر جهت داد و از سال 1933 به بعد دولت، مبادله پول های کاغذی با طلا را متوقف ساخت. در سال 1972 نیز به دستور رئیس‌جمهور وقت، ریچارد نیکسون، ایالات متحده استاندارد طلا را کنار گذاشت و افول سیستم پولی با پشتوانه را با استفاده از پول

فیات در مقیاس جهانی رقم زد.

### ارزهای فیات و استاندارد طلا

استاندارد طلا اجازه تبدیل اسکناس‌های کاغذی به طلا را می‌داد. در واقع پشتوانه تمامی پول‌های کاغذی منابع محدود طلا بود که توسط دولت نگهداری می‌شد. تحت سیستم ارزی با پشتوانه طلا، دولت‌ها و بانک‌ها تنها در صورت داشتن ذخایر طلا، قادر به معرفی مقدار برابری از ارز جدید به اقتصاد بودند. این سیستم پولی، جلوی دولت را از خلق پول و افزایش ارزش آن تنها بر مبنای فاکتورهای اقتصادی می‌گرفت.

در سوی دیگر، تحت سیستم ارز فیات پول دیگر به دارایی یا کالای به خصوصی قابل تبدیل نیست. دولت‌مدان با پول‌های فیات، به طور مستقیم می‌توانند بر روی ارزش ارزهای ملی تاثیر گذاشته و آن را به شرایط اقتصادی کشور پیوند زنند. در این سیستم پولی، دولت و بانک‌های مرکزی اساسی‌ترین نقش را در مواجهه با رویدادهای مالی مختلف مانند ایجاد بانکداری ذخیره کسری یا تسهیلات کمی ایفا می‌کنند.

طرفداران استاندارد طلا معتقدند که این سیستم ارزی به دلیل پشتیبانی شدن توسط یک دارایی فیزیکی و باارزش، از ثبات بیشتری برخوردار است. در مقابل طرفداران پول‌های فیات عقیده دارند که قیمت طلا به خودی خود بی‌ثبات است. در قالب این مفهوم، ارزش هر دو نوع سیستم پولی نوسان خواهد داشت. اما در سیستم ارزی فیات، دولت در دوران اضطرار اقتصادی انعطاف بیشتری در اقدامات ضروری خواهد داشت.

### مزایا و معایب پول فیات

متخصصین حوزه مالی و اقتصاددانان در حمایت از ارزهای فیات هم عقیده نیستند. مدافعان آن مزایا و معایب زیر را برای ارزهای فیات مطرح می‌کنند:

**کمیابی:** پول فیات از کمیابی کالا یا دارایی فیزیکی مانند طلا تاثیر نمی‌پذیرد.







**هزینه:** خلق پول فیات از نظر اقتصادی نسبت به پول کلایی به صرفه‌تر است.

**واکنش‌پذیر:** پول فیات این قدرت را در اختیار دولت و بانک مرکزی قرار می‌دهد که نسبت به بحران‌های اقتصادی انعطاف کافی را داشته باشند.

**مبادلات بین‌المللی:** ارزهای فیات توسط تعداد زیادی از کشورها در سرتاسر جهان مورد استفاده قرار می‌گیرند. این باعث ارائه فرم قابل قبولی از پول برای مبادلات تجاری شده است.

**راحتی:** برخلاف طلا، پول فیات به ذخایر فیزیکی که نیازمند نگهداری، محافظت، نظارت و دیگر امور هزینه‌زا باشد، نیست.

**نبود ارزش ذاتی:** ارزهای فیات فاقد ارزش ذاتی هستند. این به دولت‌ها امکان «خلق پول از هیچ چیز» را می‌دهد که می‌تواند به ابرتورم و در نهایت سقوط سیستم اقتصادی یک کشور منجر شود.

**سابقه تاریک:** از نظر نمونه‌های تاریخی، پیاده‌سازی سیستم ارزی فیات معمولاً به سقوط نظام‌های مالی ختم شده است که بیانگر خطرناک بودن استفاده از این سیستم پولی است.

### ارز فیات و ارز دیجیتال

تنها مشابهت بین ارز فیات و ارز دیجیتال در نداشتن پشتوانه فیزیکی آن‌هاست. در حالی که ارز فیات توسط دولت‌ها و بانک‌های مرکزی کنترل می‌شود، ارزهای دیجیتال ماهیت غیرمتمرکزی دارند.

تفاوت آشکار این دو سیستم پولی، در نحوه ایجاد پول‌های جدید در هر یک از آن‌هاست. بیت کوین به عنوان نمونه برتر ارزهای دیجیتال، در مقایسه با پول‌های فیات که در کنترل بانک‌هاست و اساساً می‌توانند بدون هیچ پایه و اساسی به وجود آیند، عرضه و تعداد سکه محدودی دارد.

به عنوان شکل دیجیتالی پول، ارزهای دیجیتال هیچ قرین فیزیکی ندارند و به هیچ مرزی محدود نمی‌شوند. علاوه بر این، تراکنش‌ها در ارزهای دیجیتال برگشت‌ناپذیر است در حالی که در ارزهای فیات اینگونه نیست.

لازم به اشاره است که بازار ارز دیجیتال در برابر بازارهای سنتی و مبادلات ارزی بسیار کوچکتر و پرنوسان‌تر است. این یکی از دلایلی است که مانع از فراگیر شدن و پذیرش گسترده این ارزها در عرصه بین‌المللی شده است. اما با رشد بازار ارزهای دیجیتال، به احتمال زیاد نوسان آن نیز کمتر و کمتر خواهد شد.

### نتیجگیری

آینده هیچ یک از سیستم‌های ارزی از قطعیت لازم برخوردار نیست. در حالی که ارزهای دیجیتال راه زیادی برای پیمودن و مواجه شدن با موانع مختلف در پیش دارند، تاریخ ارزهای فیات بیانگر آسیب‌پذیر بودن این نوع از پول بوده است.

این از دلایل اصلی حرکت برخی از مردم به سوی سیستم ارز دیجیتال و استفاده از آن‌ها در تراکنش‌های مالی است.

یکی از تفکرات اصلی بیت کوین و ارزهای دیجیتال، کشف شکل جدیدی از پول بر روی شبکه‌ای توزیع شده و هم‌تا به هم‌تا بوده است. بیت کوین می‌تواند به عنوان یک شبکه‌ی اقتصادی جایگزین نقش مهمی در آینده اقتصاد جهانی ایفا کند. /اقتباس از مقاله نیما ملک پور



تحلیل تکنیکال تحلیلی است که بر اساس نمودار قیمت سهام و پیشینه ی تاریخ آن وضعیت آینده سهام پیش بینی می‌شود. تحلیل تکنیکال بر اساس سه اصل استوار است:

### تاریخ تکرار می‌شود

تحلیل تکنیکی و پویایی بازار رابطه نزدیکی با روانشناسی انسان دارد. بنابراین، الگوهای گرافیکی قیمت در صد سال اخیر شناسایی و تقسیم بندی شده اند تا حالات روانشناسانه بازار را نمایش بدهند. اول از همه ، این الگوها وضعیت روانی حاکم بر بازار را نشان می دهند که آیا بازار صعودی و یا نزولی است.

این الگوها در گذشته بوده و اکنون هم می تواند استفاده شود چون اساس آن بر روی روانشناسی انسان است که در طول سالها بدون تغییر مانده



است. حال ما عبارت تاریخ تکرار می شود را به این صورت بیان می کنیم که گذشته چراغ راه آینده است یعنی بررسی نوسانات قیمت در گذشته آینده بازار را به ما نشان می دهد.

### همه چیز در نوسان قیمت خلاصه می‌شود

مهمترین اصل تحلیل تکنیکی همین است. هر عاملی که بر قیمت سهام تاثیرگذار باشد، چه اقتصادی و چه سیاسی و یا روانشناختی به نوعی بر قیمت سهام اثر خواهد داشت و در نمودار منعکس خواهد شد. به عبارتی هر تغییر قیمتی همراه با یک محرک خارجی است و این امر لزوم بررسی دقیق نوسان قیمت و تحلیل آن را نشان می دهد. پس با تحلیل نمودن نمودار قیمت ،

بازار خودش را به تحلیل گر نشان می دهد و آینده آن قابل پیش بینی خواهد بود.

این منطق در تضاد با تحلیل بنیادی است، زیرا در تحلیل پایه ای به چرایی عوامل توجه می شود و پس از تحلیل عوامل تاثیرگذار، روند حرکت بازار بدست می آید.

به عنوان مثال ، اگر تقاضا بیش از عرضه باشد تحلیل گر بنیادی خواهد گفت که قیمت بالا می رود در حالیکه چارتیست با دیدن رشد قیمت خواهد گفت که تقاضا بیشتر از عرضه بوده است.

### قیمت در یک روند (ترند) حرکت می‌کند

پیش فرض فوق اساس همه متد های تحلیل تکنیکی است. وقتی نوسانات بازار با روند مطابقت داشته باشد، این حرکت قابل تحلیل است و برعکس، یک بازار آشفته را نمی توان تحلیل کرد. با مسلم دانستن اینکه حرکت قیمت، ناشی از روند است دو مطلب قابل ذکر است.

اول اینکه روند جاری با احتمال بیشتری ادامه خواهد یافت و قیمت به محدوده قبلی باز نخواهد گشت، به استثنای بعضی بی نظمی ها در حرکت بازار.

دوم اینکه روند جاری ادامه خواهد یافت تا زمانی که روند مخالف جایگزین آن شود.

### توانایی های تحلیل تکنیکی:

#### استفاده از این روش در تمامی نمودارها

یک تحلیلگر تکنیکال می تواند از استراتژی خود در تمام بازارها و روی تمام چارتهای استفاده کند ( مانند قیمت جهانی فلزات پایه، محصولات شیمیایی و غذایی و شاخص های سهام ) و این یکی بزرگترین نقاط قوت این نوع تحلیل می باشد. در صورتی که تحلیلگران فاندامنرال فقط می توانند از نتیجه بررسی اطلاعات و صورتهای مالی خود در بازار مربوطه استفاده نمایند و این ناشی از حجم زیاد این اطلاعات می باشد.

### تمرکز روی قیمت:

اگر هدف پیش بینی قیمت آینده است ، متمرکز شدن روی تغییرات قیمت منطقی است. تغییرات قیمت معمولا بر روش بنیادی پیشی میگیرند. با تمرکز بر قیمت تحلیلگران بطور اتوماتیک به آینده توجه میکنند. بازار بعنوان یک شاخص رهبر در نظر گرفته میشود و میتوان گفت که شرایط ۶ تا ۹ ماه آینده را تعیین میکند. برای همراهی با بازار لازم است که تغییرات قیمت را بطور دقیق زیر نظر داشت. راهنمایی ها و نشانه ها معمولا قبل از

تغییرات مهم ظاهر میشوند. یک تحلیل گر معمولا به دوره های خرید در کف بعنوان گواهی بر ترقی قریب الوقوع سهم نگاه کرده و همچنین دوره های فروش در سقف را بعنوان شاهی برای یک دوره رکود در شرف وقوع در نظر میگیرد.

### حمایت / مقاومت:

آنالیز اولیه و ساده نمودار های قیمت میتواند در تشخیص درجه حمایت یا مقاومت مفید باشد. این پارامترها معمولا توسط دوره های تراکم (محدوده داد و ستد) که قیمت ها در یک محدوده مشخص تغییر میکنند مشخص میشوند. این مطلب گویای این است که قوای متقابل عرضه و تقاضا به تعادل رسیده اند و داد و ستد به بن بست رسیده است. وقتی قیمت از این محدوده خارج میشود نشان دهنده این است که عرضه یا تقاضا شروع به رشد کرده و بر دیگری فائق آمده است. اگر قیمت بالاتر از حد بالایی محدوده قیمت برود نشان دهنده



آن است که تقاضا برنده شده و اگر از حد پایینی خارج شود عرضه افزایش یافته است.

### پیشینه قیمت بصورت تصویری:

حتی برای تحلیل گران بنیادی با تجربه و کارآزموده نیز یک نمودار قیمت، حاوی اطلاعات مفیدی است. نمودار قیمت یک شرکت، نشان دهنده یک نمودار تصویری و گویا از روند قیمت سهام آن شرکت در طول یک بازه زمانی است. نمودار بسیار گویاتر و خواناتر از یک جدول اعداد است. در اکثر نمودارهای قیمت ستون های حجم معاملات در پایین نمودار آورده میشوند. با استفاده از این نمودار میتوان به راحتی موارد زیر را تشخیص داد:

« واکنشهای قبل و بعد از اتفاقات مهم

« نوسانات گذشته و حال

« حجم و مبلغ معاملات گذشته

« وضعیت نسبی یک سهم نسبت به کل بازار

### تسهیل در تشخیص زمان خرید:

تحلیل تکنیکال کمک زیادی در تشخیص زمان خرید میکند. برخی تحلیل گران، روش بنیادی را برای شناسایی سهام مناسب جهت خرید و روش تکنیکال را برای تشخیص زمان خرید به کار می برند. این نکته کاملا واضح است که زمان مناسب خرید، نقش مهمی در عملکرد دارد. روش تکنیکال میتواند در تشخیص تقاضا (حمایت) یا عرضه (مقاومت) و همچنین زمان خروج از بازار مفید واقع شود. مشخصا انتظار برای خروج از بازار در نرخ هایی بالاتر از نرخ های عرضه گسترده و یا خرید در نرخ هایی در نزدیکی نرخ های حمایتی میتواند بازده را بهبود بخشد.

دانستن سابقه تاریخی قیمت یک سهم مهم است. اگر شما سهمی را در دو سال گذشته به عنوان یک سهم عالی ارزیابی می کرده اید ولی روند سهم

در این مدت ثابت بوده است معلوم می شود بازار سهام نظر دیگری دارد. اگر سهمی به اندازه زیادی رشد داشته باید گوش به زنگ برگشت رو به عقب آن سهم بود. یا اگر سهمی از حد مورد انتظار بیشتر افت نموده شاید این ارزش را داشته باشد که آن را در این قیمت بخرید و منتظر روند رو به رشد آن بمانید





# نبض بورس

بورس و انتخابات امریکا دکتر مهدی قلی‌پور رئیس هیئت مدیره سیدگردان الماس و استاد دانشگاه تهران

## در نیمه اول امسال چه گذشت؟

شش ماهه اول سال 1399 دو دوره متفاوت را شاهد بود، دوره اول از ابتدای سال تا 20 مردادماه و دوره دوم از 20 مرداد تا پایان شهریور. دوره اول شاهد رشد 308 درصدی در شاخص کل بورس، رشد 170 درصدی متوسط معاملات خرد (از میانگین روزانه 6 هزار میلیارد تومان به میانگین روزانه 18 هزار میلیارد تومان) و ورود بی سابقه 120 هزار میلیارد تومان پول حقیقی به بازار بودیم ولی در دوره دوم شاهد افت 21% شاخص کل (که معادل کاهش 65% از بازدهی از ابتدای سال بود)، خروج بیش از 22 هزار میلیارد تومان پول حقیقی و افت 25 درصدی در حجم معاملات خرد بودیم به نحوی که نیمه اول سال 1399 با وضعیت زیر کار خود را به پایان رسانید:

بازده بورس	خالص ورود پول حقیقی نیمه اول سال		حجم معاملات خرد	
	تجمعی	میانگین روزانه	تجمعی	میانگین روزانه
۲۲۴٪	۱۰۰،۵ هزار میلیارد تومان	۸۱۷ میلیارد تومان	۱۹۱۲ هزار میلیارد تومان	۱۵،۵۰۰ میلیارد تومان

تحولات بورس در مجموع طی شش ماه اول شامل افزایش نقدشوندگی و افزایش حجم ورود نقدینگی و نهایتاً رشد مناسب قیمت‌ها بود، با این حال مهمترین عواملی که طی این شش ماه بر رشد بازار اثر گذاشتند عبارتند از:

- رشد نقدینگی در کشور (تقریباً روزانه 2 هزار میلیارد تومان به نقدینگی اضافه شده است)
- رشد نرخ‌های دولتی ارز و نرخ بازار
- انتظارات تورمی نسبت به آینده
- افزایش ارزش جایگزینی شرکت‌ها و افزایش فروش

## انتظارات از نیمه دوم سال

به نظرم در نیمه دوم امسال نیز شاهد دو دوره خواهیم بود، دوره اول تا انتهای آبان ماه و دوره دوم پس از آن. در دوره اول شاهد دو اتفاق عمده خواهیم بود، اعمال مکانیزم ماشه از سوی ایالات متحده و سپس برگزاری انتخابات ریاست جمهوری ایالات متحده. از آنجا که در اعمال مکانیزم ماشه ایالات متحده مجبور خواهد بود به تنهایی به اعمال تحریم‌ها بپردازد انتظار نداریم که اثر شدیدتری نسبت به گذشته در اقتصاد کشور داشته باشد ولی انتخاب احتمالی مجدد ترامپ، انتظارات از رشد سطح عمومی قیمت‌ها و نرخ ارز را رشدی خواهد کرد و در مرحله بعد مجدد منجر به رشد بازار بورس خواهد بود. البته در صورت انتخاب بایدن که احتمال آن را کم می‌دانم، انتظارات رشدی نسبت به نرخ ارز تعدیل شده و در آن صورت امکان کاهش شاخص به سطح 800 هزار واحد کاملاً محتمل است. در دوره پیش از اعلام نتایج انتخابات ایالات متحده یعنی تا آبان ماه، بازار نوسانات زیادی را خواهد دید بالاخص با خروج پول با توجه به عدم اطمینان پیش رو و انتظار رشد بعید است ولی پس از آن بر اساس نتایج انتخابات ایالات متحده نوسان خواهد داشت. با فرض انتخاب مجدد ترامپ و با فرض سیاست نه جنگ و نه مذاکره، بازار به خاطر انتظارات تورمی رشدی خواهد بود و اگر بایدن در انتخابات پیروز شود، خبر بسیار خوبی برای کشور ولی خبر بدی برای بازار خواهد بود.





این روزها همه درمورد بورس صحبت میکنند. افراد مختلف با مشاغل و تحصیلات مختلف به دنبال کسب درآمد از بازارهای مالی هستند. پرتکرارترین سوالی که اینروزها از مشاورهای بازار سرمایه پرسیده میشود این است که بورس بهتر است یا ارز دیجیتال؟ البته مقایسه بین این دو بازار مالی برای هر شخص متفاوت و منحصر به فرد است، اما اگر شما سابقه‌ی سرمایه‌گذاری در بورس را داشته باشد، سرمایه‌گذاری در ارزهای دیجیتال برایتان کار پیچیده‌ای نخواهد بود. ما در این مطلب میکوشیم تا مهمترین تفاوت‌های این دو بازار را معرفی کنیم و به ویژگی‌ها، مزایا و معایب هر کدام بپردازیم.

### مقایسه‌ی اجمالی

در ابتدا با جدول ساده‌ای به صورت خیلی خلاصه بازار ارزهای دیجیتال و بورس را مقایسه میکنیم و در ادامه مقاله به توضیح کامل موارد مطرح شده میپردازیم

ویژگی	بورس	ارز های دیجیتال
میزان ریسک	متوسط	زیاد
صف خرید و فروش	بسیار زیاد	وجود ندارد
دو طرفه بودن	تقریبا ندارد	دارد
اهرم یا لوریج	ندارد	دارد
دامنه نوسان	بین ۳ تا ۵ درصد روزانه	نامحدود
تریدینگ با ربات	خیلی نادر	رایج
قانونی بودن	کاملا قانونی	مبهم
محدودیت افتتاح حساب	محدودیت سن و مدرک	ندارد
ساعت کاری	محدود	همیشه باز

### تفاوت‌های بازار بورس و بازار ارز دیجیتال

#### عدم مالکیت

در هنگام سرمایه‌گذاری چه در بازار بورس و چه در بازار ارزهای دیجیتال در واقع روی ایده سرمایه‌گذاری می‌شود، ولی تفاوتی که در بازار سهام وجود دارد این است که با ارزشمند شدن سهام یک کمپانی، سرمایه‌گذار سهامدار آن کمپانی نخواهد شد.

#### دامنه‌نوسان

در بورس ایران دامنه نوسان معمولا ۳ یا ۵ درصد است، اما در ارزهای دیجیتال چیزی به نام دامنه نوسان وجود ندارد. بازار ارزهای دیجیتال تقریبا ۱۰ برابر سریع‌تر از بازار بورس عمل می‌کند و همه چیز را تحت تاثیر خود قرار می‌دهد. قیمت‌ها با سرعت بیشتری افزایش و کاهش می‌یابند و میزان نوسان آنها نسبت به بازارهای دیگر خیلی بیشتر است.



## رانت و سفته بازی

در بازارهای بورس معمولاً رانت حرف اول را میزند! مثلاً شما میدانید شرکت ایکس قرار است شعبه جدیدش را به زودی افتتاح کند؛ شما با تمام سرمایه خود سهام این شرکت را میخرید و بعد از افتتاح با سود بالا آنرا میفروشید. طبیعتاً تمام شرایط برای سفته بازی آزاد است. اما در دنیای ارزهای دیجیتال رانت و سفته بازی تقریباً کمتر دیده میشود. دلیل آن هم بین المللی بودن بازار و عدم کنترل دولت ها و شرکت ها بر ارزهای دیجیتال است.

## گزارش عملکرد

رشد بازارهای ارز دیجیتال چندین برابر بورس رسمی کشور هاست. مثلاً در سال ۲۰۱۷ بورس زیمباوه با ۱۲۰ درصد رشد بهترین عملکرد را در بین بازار سهام داشته است، این در شرایطی است که در همان سال ارز دیجیتالی به نام ریپل ۲۸۰۰ درصد افزایش قیمت داشته است.

## کمبود رقابت

در نهایت از آنجایی که ورود رقبای جدید به بازار ارزهای دیجیتال بسیار آسان تر است، احتمال از دور خارج شدن ارزهای قدیمی نسبت به کمپانی های قدیمی بسیار بیشتر است. در حقیقت، توجیهی برای حضور صدها ارز دیجیتال در صحنه ی رقابت وجود ندارد.

## ریسک

بازار ارزهای دیجیتال به همان میزان که سود فراوانی نصیب سرمایه گذاران می کند از ریسک بالاتری هم برخوردار است. از آنجا که معاملات ارزهای دیجیتال به طور شبانه روزی انجام می گیرد ممکن است در بازه کوتاهی نوسان های شدیدی رخ بدهد. مثلاً در دسامبر ۲۰۱۷ قیمت بیت کوین از ۲۰۰۰۰ دلار فراتر رفت اما در مارس ۲۰۱۸ به ۸۵۰۰ دلار سقوط کرد. با توجه به اینکه نرخ مصوبی برای ارزهای دیجیتال وجود ندارد ریسک سرمایه گذاری در ارزهای دیجیتال بیشتر است.

## تاثیر اخبار و تحلیل ها

در بازارهای بورس بیش از هرچیز اخبار و حوادث آن شرکت موثر هستند. درست برعکس ارزهای دیجیتال که بیشتر از تحلیل های فاندامنتال با تحلیل های تکنیکال سرپنجه میزنند.

شما در بورس باید بیشتر از علم تکنیکال، اخبار ببینید، در شبکه های اجتماعی به دنبال سهام شرکت مورد نظر باشید و با هم سرمایه گذاران مشورت کنید.

اما در بازار ارزهای دیجیتال باید علم تحلیل تکنیکال را بیاموزید و با منطق آینده روند قیمتی یک سهم را پیشبینی کنید.

## دستکاری در قیمت

بازار بیت کوین برخلاف بازار سهام مستعد دستکاری است مثلاً زمانی که تعداد زیادی از تریدرها بر سر خرید و فروش یک توکن همکاری کنند می توانند نوسان بسیاری در بازار به وجود آورند و در برخی موارد گزارشاتی مبنی از معاملات جعلی در برخی از صرافی ها گزارش شده است که این آمار کذب باعث به اشتباه افتادن برخی از سرمایه گذاران تازه وارد می شود.

بنابراین اگر کسی قصد ورود به این بازار را دارد باید خود را برای چنین نوساناتی آماده کند.

در بازار بورس در برخی موارد ثبت سفارشات کاذب و یا انتشار اخبار غلط در شبکه های اجتماعی صورت می گیرد که باعث اشتباه بسیاری از سرمایه گذاران می شود. با وجود دستکاری در بازار بورس، میزان این دستکاری در فضای کریپتو بیشتر است.

## قانون گذاری و ممنوعیت تبلیغات

چیزی که کاملاً واضح است این است که کریپتو هنوز هم با مشکلات خود که قانون گذاری در رأس آن است دست و پنجه نرم می کند. مثلاً هر زمان که تعدادی از دولت ها خرید و فروش ارزهای دیجیتال و یا ICOها را در کشور خود ممنوع اعلام می کنند، قیمت ها کاهش می یابند یا همچنین زمانی که فیس بوک و گوگل تبلیغات مربوط به ارزهای دیجیتال را ممنوع اعلام کردند، نقدینگی در بازار کاهش یافته و بازار به لحاظ حجم معاملات به طور قابل توجهی کوچک تر شد.

چنانچه قصد سرمایه گذاری در ارز دیجیتال را دارید برا جلوگیری از ضرر حتی المقدور می بایست اخبار را دنبال کرده و اطلاعات خود را به روز کنید.

## نتیجه گیری

نکات مهم قبل از ورود به ارزهای دیجیتال

اگر قصد تریدینگ دارید اولین قدم شناخت بهترین زمان برای خرید و فروش است.

شاید با از دست دادن یک فرصت از مقداری سود جا بمانید، اما قطعاً سرمایه خود را حفظ کرده اید.

در دنیای ارزهای دیجیتال به دلیل باز بودن محدوده نوسان بسیار حیاتی است که بالاترین قیمت یک توکن را تحلیل کنید و با اطمینان دست به فروش بزنید.

اقتباس از مقاله پروانه سادات صنعتی





### بانوی مدیر : گرد آورنده : فاطمه سارا شمسواری

نگاه مدیریتی به هر موضوعی باعث می شود تا آن موضوع به خوبی و شفافیت شناخته شود ، حال اگر همین نگاه را در حوزه موضوع «مدیریت» داشته باشیم درمی یابیم که در دریای عظیمی از ابعاد مختلف هستیم . به نظر نگارنده اگر هر موضوعی در مرکز و از نگاه ۳۶۰ درجه حول محور آن بررسی شود آن زمان هست که درک و دریافت بهتری از مطلب کرده ایم.

حال نگاه مدیریتی به خود مبحث مدیریت ابعاد مختلفی دارد که اگر نخواهیم آن را زوایایی جنسیتی بخوانیم باید بگوییم ابعاد کمتر دیده شده ای دارد که در مطالعات زنان برای مدیران زن تشریح های مبسوطی داشته است . از اصطلاحات قدیمی این حوزه می توان به سقف شیشه ای اشاره کرد که در مقالات و نوشتارهای بعدی دیوار شیشه ای هم به آن افزوده شده ،

این سقف و دیوار ها که معمولا از دید عموم مردم جامعه نادیده اند

به شدت بانوان مدیر هم سطح و هم رده آقایان را به چالش می کشند .

و به طرز عجیبی دست و پا گیر می شوند تا جایی که اگر این بانوان بخواهند مدیریت را داشته باشد باید حتما بخشی از خود را فراموش کنند یا کمرنگ تر به آن بپردازند؛ ابعادی چون مادری ، همسری و بانویی را گویی نمی توانند خود باشند ...!

و به همین دلیل ناخودآگاه بسیاری از بانوان پس از درهم شکستن این سد ها ، به جای اعمال مدیریتی مطابق با ابعاد وجودی خود ؛تظاهر به مدیریت و ریاستی سخت و خشن که در فراخنای تاریخ پذیرفته شده است ، می کنند. غافل از آن که، می توانند دنیای زیبا تر با هنر وجودی خود بسازند...

و من به عنوان یک مدیر با بیش از بیست سال سابقه معتقدم می توانیم دنیا را زیباتر بسازیم اگر باور داشته باشیم به توانمندی های متفاوتی که خداوند در وجود همه ی ما نهاده است .

پایان قسمت اول





## بازی زندگی را بازی کن فاطمه خوشنژاد

بذارین باهاتون رو راست بشم:

تا وقتی دنبال بهبود کیفیت نباشید هیچ چیز تغییر نمیکند!

تو بازی زندگی، در هر مرحله با یه چالش مشخص، رو به رومیشید!

اینومن نمیگم؛ تجربه های افراد اینومیگه. اگه اهل حل مسئله و تو دل مشکلات رفتن باشید، می بینید که راه حل یه جایی همون جاها بوده. شک نکنید که یه جایی همون دور و اطرافتون منتظر شماست. اما اگه جز کسایی باشید که عاشق این هستن حواس خودشون رو پرت کنن و با مشکل مواجه نشن میبینید که چیزی جز باختن وشکست سراغتون نیامد.

بازی زندگی روز به روز سخت تر میشه وتو بازی زندگی در هر مرحله با یه چالش مشخص رو به رو میشید. یعنی چی؟ یعنی برای برنده شدن به این نیاز دارید که حواستون رواز مشکل فعلی پرت نکنید؛ بذارین ساده تر بگم، توی زندگی دو راه دارید: میتونین برین تودل مشکل و یه راه حلی براش پیدا کنین!

میتونین بیخیال بشید و حواستون رواز فاجعه ای که در حال رخ دادن پرت کنین تا اون مشکل کل وجودتون رو بگیره! خب، منطقی ترین راه اینه که تاجایی که میشه از بروز مشکل جلوگیری کنیم اما فراموش نکنید که اگر مشکلی پیش اومد برید تودل ماجرا و سریع حلش کنید.

به عنوان یک مدیر، قرار هست با چالش های زیادی در دفتر کارتون روبه رو بشید. با دوکار میتونین مقدار این چالش هارو پایین بیارید: قدرت انگیزه دادن و قدرت تنبیه کردن.

در نشریه شماره یک نحوه انگیزه دادن روبررسی کردیم. حالا وقت این هست که به عنوان یک مدیر، قدرت تنبیه هم یاد بگیریم.

مدیریت یک خانواده ویا یک دفتر کار با چند کارمند و یا یک کارخانه با صدها کارمند وکارگر، تا حدی به هم شبیه هست، شما میتونید کارمندتون رواخراج کنید، میتونید حقوقش روکاهش بدید و یاتوی موقعیت وشغل های نامطلوب قرارشون بدید اما همونطور که در نشریه قبلی گفتم: برای تبدیل شدن به یک مدیر موثر و کارآمد، این در واقع تنها ماده ای هستش که بهش نیاز دارید؛ اینکه صرف نظر از سختی ها ومشکلات اجتناب ناپذیر حاضر باشید نقشه راه خودتون رو ترسیم کنید وراه خودتون رو برید

پس مدیر عزیز توی تنبیه هم سبک خودت رو طراحی کن. تنبیه هایی که در نظر میگیرید باید مطابق شخصیت کارمند خطاکار باشه. برای مثال یک شرکت چینی کارکنانی را که در دستیابی به اهداف شرکت کوتاهی کرده بودند را واداشت تا ساعت ها در پیاده رو از مردم عذر خواهی کنند. میدونین چرا؟ چون اون مدیر موفق و باهوش شخصیت افراد جامعه شرکت خودش رو شناسایی کرده و متوجه شده هیچ چیز به اندازه اینکه اونهارو مجبور کنه که درمعا بر عمومی زانو بززن و از رهگذران عذر خواهی کنند موثر نخواهد بود.

کار عجیبی انجام داده این مدیر! گویا باید به هوش این آدم آفرین بگیریم چون زده تو خال و تحلیل درستی از شخصیت افراد تیم داشته!

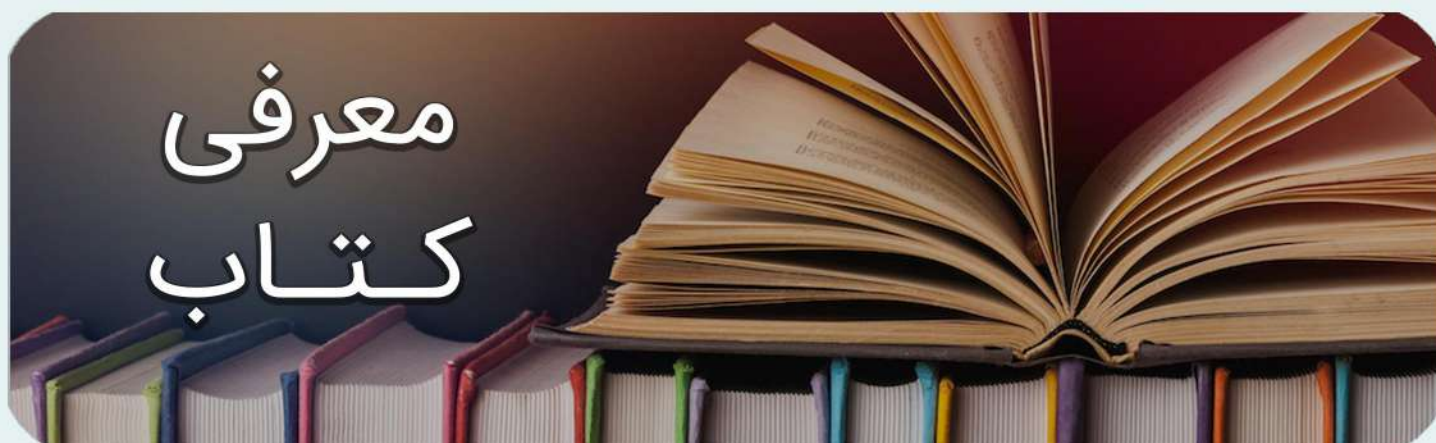
اگر میخواهید یک مدیر موفق باشید، باید از مسیری که برای رسیدن به این هدف طی میکنید لذت ببرید.

تمامی افعال انسان در زندگی کاری وهمینطور زندگی شخصی به طور خود آگاه و ناخودآگاه از دو دلیل پیروی میکنه، یعنی ما هر کاری میکنیم دودلیل اصلی داره:

یک) چون حس خوبی به ما میده

دوچون کاریه که درسته، یا فکر میکنیم که درسته  
 اما خب دوستان گاهی به کاری ممکن احساس خیلی بدی بده اما کار درستی باشه.  
 تنبیه کردن کارمندانمون هم در این دسته قرار میگیره. شاید احساس بدی از این کار بهتون دست بده اما اگر تنبیه به موقع  
 و صحیح انجام نشه در آینده باید تاوان و خسارت بزرگی رو متحمل بشید. خسارت سهل انگاری خودتون.  
 دوستان کارهایی هم وجود دارند که ممکن احساس خیلی خوبی بده اما کار غلطی باشه، خب اینم بخشی از زندگی هستش  
 وهمیشه همراه ما هست گویا.  
 از طرفی هم شما باید روی کار تک به تک اعضای تیم کاریتون تسلط داشته باشید که خدایی نکرده اگر مرتکب خطایی  
 بشن در نهایت این شما هستید که باید جبران خطا کنید.  
 همونطور که سعدی عزیز در قرن شش سروده اند:  
 گنه بود مرد ستمکاره را  
 چه تاوان زن و طفل بیچاره را  
 به! مدیریت یعنی مسئولیت. و مسئولیت گاهی تاوان و خسارت همراه داره. به یاد داشته باشین مدیر خودش هم عضوی  
 از تیم محسوب میشه و اثر گذارترین عضو تیم هست. این شما هستید که به عنوان یک مدیر تعیین میکنید مدیریتتون پر  
 بازده و سودرسان باشه یا بدون بازده و یا کم بازده.

روزگار خوش



### کاش وقتی ۲۰ ساله بودم می دانستم ... سامان کاشانی

اگر سمت جنوب خیابان انقلاب از چهارراه ولیعصر تا میدان انقلاب را قدم زده یا احتمالا با توجه به شرایط کنونی سری به  
 سایت های فروش کتاب های الکترونیکی زده باشید ، حتما کتاب هایی با موضوع کارآفرینی و موفقیت توجه شما را به  
 خودشان جلب کرده اند. در این یادداشت قصد دارم کتابی را به شما معرفی کنم که اگر احتمالا من عنوان آن را در قفسه  
 کتاب فروشی های انقلاب یا صفحه نخست سایت فدیو می دیدم توجه ای به آن نمی کردم!

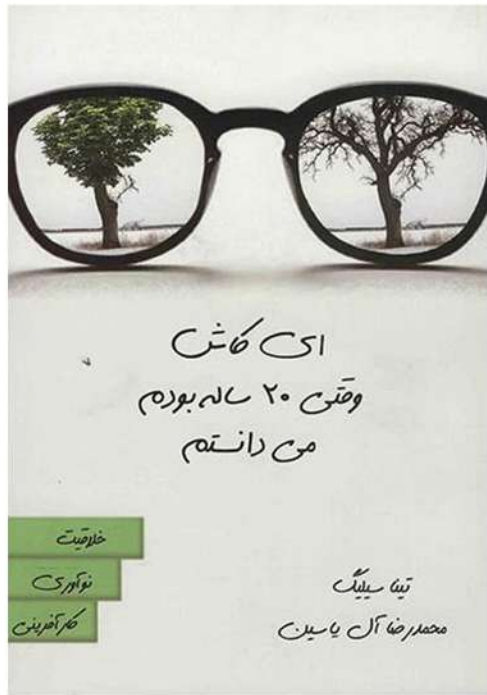
نام کتاب : ای کاش وقتی ۲۰ ساله بودم می دانستم  
 عنوان اصلی: What I Wish I Know When I Was 20

تاریخ چاپ کتاب : ۲۰۱۰ در ایران ۱۳۹۲

تعداد صفحات: ۲۲۸

نویسنده: تینا سیلیج (Tina Seelig) ، مدیر اجرایی طرح سرمایه گذاری های تکنولوژی محور (STVP) در دانشکده مهندسی  
 استنفورد و مدرس کارآفرینی و نوآوری در انستیتو هاسوپلاتر (Hasso Plattner Institute) دانشگاه استنفورد  
 مترجم : محمدرضا آل یاسین، مترجم کتاب هایی در حوزه مدیریت، کارآفرینی و روانشناسی نظیر هفت عادت مردمان مؤثر،  
 زندگی با هفت عادت ، عظمت خود را دریابید ، قوانین مبارزه ، فرمول نابغه ها و ....





قیمت پشت جلد آخرین چاپ ۳۴۰۰۰ تومان است که البته شما می توانید نسخه دیجیتال این کتاب را با قیمت ۶۰۰۰ تومان از فی‌دیو تهیه کنید.

موضوعات کارآفرینی، کسب و کار، مدیریت، موفقیت و... موضوعاتی هستند که در موردشان کتاب‌های زیادی توسط اشخاص مختلفی نظیر مدیران موفق، اساتید دانشگاه، سیاستمداران، ثروتمندان حتی سلبریتی‌ها نوشته شده است که سعی دارند مجموعه‌ای از نکات کلی، تعاریف و تئوری‌های این حوزه را بازگو کنند، اما مساله اصلی اینجاست که این راه کارها در دنیای امروز چقدر مفید خواهند بود؟

نویسنده کتاب "ای کاش وقتی ۲۰ ساله بودم می‌دانستم" به عنوان استاد کارآفرینی معتقد است در محیط شغلی امروز که اوضاع و شرایط به سرعت در حال تغییر است افراد باید بدانند که چگونه فرصت‌ها را شناسایی کنند، اولویت‌ها را تغییر دهند و اندیشه‌های نو و آرمان‌های تازه را بیازمایند و صرفاً دانستن تئوری‌ها و راهکارهای دیگران برای موفقیت در این عرصه مفید و راه‌گشا نخواهد بود. همچنین نویسنده سعی دارد بسیاری از الگوهای معیوب گذشته که در ذهن ناهشیار همه افراد وجود دارند را اصلاح کند و یا از بین ببرد.

نویسنده ادعا می‌کند که بسیاری از افکار و آرمان‌های این کتاب با مطالبی که در دانشگاه‌ها تدریس می‌شود در تضاد است و در واقع در این کتاب به مسائل دنیای واقعی پرداخته است، او می‌خواهد با ارائه ابزار مناسب و نگرش صحیح شکاف بین مشکلات واقعی دنیای کسب و کار و آنچه در دانشگاه آموزش می‌دهند را برطرف کند.

در بیشتر فصل‌های این کتاب نویسنده تمرین‌های کلاسی را که در درس کارآفرینی دانشگاه استنفورد به دانشجویان خود داده است را بیان می‌کند و با بررسی نتایج حاصل از تمرین به تشریح مطالب می‌پردازد، به عنوان مثال در فصل نخست این کتاب - یکی بخیر، دوتا بتر - تمرین پنج دلاری را توضیح می‌دهد که دانشجویان می‌بایست با پنج دلار پول، در دو ساعت زمان پول درآورند! و در عین ناباوری می‌بینیم که گروه‌های موفق‌تری بودند که از پنج دلار سرمایه اولیه استفاده نکردند! در واقع در می‌یابیم محدودیت منابع نحوه برخورد با مسائل را محدود می‌کند.

گاهی نویسنده داستان‌هایی از شرکت‌های بزرگ دنیا مطرح می‌کند مثلاً در فصل دوم کتاب - سیرک وارونه - داستان نوآوری شرکت کیمبرلی کلارک در مقابله با شرکت‌های پروکتر و کمبل در بازار پوشک بچه را تعریف می‌کند و سعی دارد فرایند نیازبازی در مواجهه با مشکلات را بیان کند. شرکت‌هایی نظیر گوگل، هلوت پاکارد، میکروسافت، ب.ام.و، اپل، نورد استروم و والمارت نیز بعضی شرکت‌هایی هستند که در این کتاب به آنها اشاره شده است.

نویسنده در مقام مدرس دانشگاه از آموزش مسائل مدیریتی و ابزارهای نوآوری نیز غفلت نکرده است در فصل سوم - از چاقی بمیرید یا در قطب جنوب مایو بیوشید - می‌بینیم که به طوفان فکری و بهره‌برداری صحیح از آن اشاره می‌کند، همچنین در طول فصل به لزوم بی‌اعتنایی به هنجارها و قوانین غلط فکری می‌پردازد در جایی می‌خوانیم: چنانچه هنگام انجام هر کار ناگهان تغییر جهت داده و گام بعدی را با روشی غیر معمول و نامتعارف انجام دهید، با پدیده‌ای شگرف رو به رو خواهید شد!

یکی از جذابیت‌های این کتاب داستان‌ها و تجربیاتی است که نویسنده از زندگی شخصی خود تعریف می‌کند، در ابتدای فصل چهارم - لطفاً کیف پولتان را بیرون آورید - نویسنده پس از بیان خاطره‌ای از پدر خود افراد را به دو گروه تقسیم می‌کند، نخست افرادی که نسبت به هدف، ایده آل، آرمان، طرح و نقشه‌شان در تردید به سر می‌برند و برای انجام آن محتاج توصیه و تجویز دیگرانند و دوم، افرادی که در انتخاب عمل‌شان آزادند. می‌خواهند به سویی بروند که خود می‌خواهند و همان چیزی بشوند که می‌خواهند بشوند. این فصل توجه به استعداد های درونی افراد را پررنگ می‌کند.

مانند تمامی کتاب‌های کارآفرینی و موفقیت شما در این کتاب نیز با داستان‌های زیادی از افرادی نام آشنا روبه‌رو می‌شود، در فصل چهارم - چاشنی اسرارآمیز دره‌ی سیلیکون - با بیان بخشی زندگی نامه استیو جابز روی مساله اهمیت شکست در مسیر موفقیت تمرکز می‌کند و شکست نوعی سرمایه‌تلقی می‌کند.

فصل ششم - مهندسی فقط برای دختران است - به تاثیر اطرافیان در انتخاب‌ها و مسیر شغلی افراد می‌پردازد نویسنده معتقد است که ما همواره باید نقش‌ها و شرایط را در طول زندگی از نو ارزیابی کنیم و با یافتن حلقه‌های گمشده در زنجیره کنش‌ها و واکنش‌هایمان در جهت توسعه و بهبود امور شخصی و حرفه‌ای گام برداریم.

شانس موضوعی است که شما در مسیر پیشرفت قطعا به آن نیازمند خواهید بود ، نویسنده اما در فصل هفتم - لیموناد را به هلیکوپتر تبدیل کنید- بیان می کند که چیزی به نام بخت و اقبال وجود ندارد. همه چیز به سخت کوشی و همت بلند وابسته است و هرچه بیشتر تلاش کنید خوش شانس تر می شوید. سپس با بیان خاطراتی از افراد خوش شانس راز و رمز اقبال آنها را تشریح می کند همچنین در جایی پس تعریف موفقیت فردی که او را روزی به طور اتفاقی در سوپر مارکت دیده است که به دنبال طرز درست کردن لیموناد بوده، می گوید: در فصول گذشته به هنر تبدیل کردن لیمو (مشکلات) به لیموناد (فرصت ها) اشاره کردم، و اکنون باید اضافه کنم که شانس، تبدیل لیموناد (چیز های خوب) به هلیکوپتر (چیزهای شگفت انگیز) است!! فصل هشتم -از اعتبار و نیک‌نامی‌تان مراقبت کنید.- فصل مورد علاقه من در این کتاب است، در این فصل نویسنده در قالب تعدادی داستان واقعی چند توصیه مهم می کند که من خلاصه آنها را به صورت موردی در

INTERNATIONAL BESTSELLER

# What I Wish I Knew When I Was 20

 Search

A Crash Course on Making  
Your Place in the World

TINA SEELIG  
READ BY GWEN HUGHES

اینجا ذکر می کنم:

« همواره قدردان زحمات دیگران باشیم.

« حسن شهرت سرمایه زندگی است.

« در قبال اعمال و رفتارمان مسئولیت داشته باشیم و آماده یادگیری از خطاهای خویش باشیم.

« فن مذاکره را به عنوان یک فن ضروری در زندگی بیاموزیم.

« همواره سعی کنیم خدمتی مثبت به جهان و هم نوعان خود ارائه دهیم.

« در هر شرایطی کار درست را انجام دهیم.

« بیش از ظرفیت مان مسئولیت بر عهده نگیریم.

اغلب ما از روی عمد و یا برحسب عادت مایلیم در حد انجام وظیفه و یا رفع تکلیف و نیاز کار کنیم و همه مان می دانیم که می توان با همان مقدار هم انتظارات افراد را در محیط کار و یا تحصیل برآورده کرد، این موضوعی است که نویسنده فصل نهم کتاب -استاد، آیا این سوال در امتحان می‌آید؟- را با آن آغاز کرده است. همچنین معتقد است فردی که پایین ترین سطح توقعات را برآورده می کند فرصت پیشرفت را از خود سلب کرده و تاوان سنگینی خواهد پرداخت، زندگی شوی لباس نیست و شما برای عرضه بهترین کار تنها یک بار فرصت دارید!

همه‌ی ما با این تجربه آشناییم که هر بار می خواهیم دیوار هم نوایی و دنباله روی را فروپاشیم و کاری متفاوت را تجربه کنیم، جماعتی زمزمه های شوم سر می دهند و ما را از طوفانی سهمگین می ترسانند، نویسنده فصل دهم کتاب -مصنوعات آزمایشی- را خلاصه تمام فصل های کتاب می داند و بیان می کند که هدف کلی این کتاب از میان برداشتن محدودیت ها و چهارچوب های ذهنی و ایجاد شهامت برای آغاز کردن کار هاست.

سخن آخر:

کتاب "ای کاش وقتی ۲۰ ساله بودم می دانستم" اثر تینا سیلیگ، کتابی است که اگر آغاز کنید احتمال کمی دارد که نیمه کاره رهاش کنید، داستان ها، خاطرات، تجربیات و پند های این کتاب به اندازه ای جذاب هستند که شما را با خود همراه کنند، همچنین کتاب از حجم کمی برخوردار است و برای افرادی که وقت کافی برای خواندن کتاب‌های طولانی ندارند بسیار مناسب است. در ضمن محتوای فصل ها ارتباط تقدیمی خاصی با یکدیگر ندارند و شما می توانید از هر فصلی که علاقه دارید شروع به مطالعه این کتاب کنید.





## مفاهیم بنیادین مدیریت دولتی / فائزه صلاحی اقدم، هستی عقیلی

سلام امروز می خواهیم در مورد مدیریت دولتی (Public Administration) صحبتی مختصر داشته باشیم و در مورد آن اطلاعاتی را با شما به اشتراک بگذاریم:

### مقدمه ای کوتاه:

طبق تعریف دانشگاه جرج واشینگتن ایالات متحده آمریکا مدیریت دولتی همان رشته مدیریت عمومی یا مدیریت اداری است. فارغ التحصیلان رشته مدیریت دولتی می توانند در تمام سطوح سازمان های دولتی، انجمن های ملی، گروه های منافع عمومی، پژوهشگر و مشاور شرکت و همچنین در بخش خصوصی فعالیت کنند. این رشته برای مطالعه مدیریت و خط مشی گذاری در زمینه های دولتی و خصوصی و تعاونی ها مناسب می باشد. هشت زمینه مهم مدیریت دولتی عبارتند از: ۱- بودجه و مالیه عمومی (مدیریت امور مالی) ۲- فدرال سیاست، سیاست و مدیریت (خط مشی گذاری عمومی) ۳- مدیریت بحران و حوادث اضطراری ۴- مدیریت پیشرفت و توسعه همکاری های بین المللی ۵- مدیریت دولت های ایالتی و محلی (مدیریت سازمان های محلی و شهرداری ها) ۶- مدیریت سازمان های غیرانتفاعی و غیردولتی ۷- تحلیل و ارزیابی خط مشی گذاری عمومی ۸- مدیریت سازمان های دولتی و خصوصی (مدیریت امور اداری در بخش دولتی و خصوصی).

تاریخچه مدیریت دولتی در ایران:

این رشته در ایران برای نخستین بار در سال ۱۳۳۳ با عنوان علوم اداری با کمک دانشگاه کالیفرنیا جنوبی و در دانشکده حقوق دانشگاه تهران تشکیل شد. مدیریت دولتی که در گذشته به سبب قدمت زیاد این رشته به عنوان اداره امور عمومی شناخته می شد، قدیمی ترین گروه در رشته های مدیریت به شمار می آید، در فاصله سال های ۱۳۳۳ الی ۱۳۴۱ به سبب ایجاد رشته های مختلف علوم اداری، این گروه، از رشته علوم سیاسی جدا شده و از سال ۱۳۴۱ تا به حال به طور مستقل در دانشکده مدیریت که تا سال ۱۳۷۴ نیز دانشکده علوم اداری و بازرگانی نامیده می شد، ارائه شده است.

خیلی از ما انسان ها، فکر می کنیم که دولت، حکومت و حاکمیت و ... معنایی برابر دارند! در صورتی که اصلاً اینطور نیست و هر کدام برای خود دارای معانی و کاربرد های مختلف هستند.

بباید باهم ببینیم که باهم چه تفاوتی دارند:

**دولت (state)**، واحد یا پدیده ای سیاسی و بین المللی است که در یک مرز جغرافیایی مشخص، زمام امور را بر عهده دارد که در تعریف دولت چهار واژه ی کلیدی وجود دارد: حاکمیت، حکومت، مردم و سرزمین.

اما **حکومت (government)** ابزاری است که از جانب دولت اعمال قدرت می کند و حکومت در ایران را می توان برابر با مجموع قوای سه گانه و ولایت فقیه دانست.

و نکته کلیدی که در تفاوت بین دولت و حکومت است این است دولت ها در طی زمان دارای ثبات نسبی هستند اما حکومت ها متغیر اند. مثلاً از قدیم الایام کشور ما وجود داشته و دارای ثبات نسبی بوده و دارای مرزهایی است که کشور ایران را از بقیه کشورها جدا می کند اما این حکومت ها هستند که متغیر اند مثلاً در ایام قدیم حکومت ماد ها، هخامنشیان، قاجاریان و... وجود داشته و اکنون حکومت جمهوری اسلامی ایران در راس قدرت می باشد و این روند ادامه دارد؛ پس این ماهیت کشور ما نیست که تغییر می کند بلکه این حکومت ها هستند که در طی زمان متلاشی شده و تغییر می پذیرند.

**حاکمیت (sovereignty)** برابر است با قدرت عالی یا برتر سیاسی در کشور، یعنی همان جایگاه هایی که از قدرت های ویژه برخوردارند که اگر حاکمیت و حکومت به خطر بیفتد دولت هم به خطر می افتد.

**حکمرانی (governance)** مجموعه ای از قواعد و رویه هایی که مقداری قدرت به سهامداران می دهند و از نفوذ نخبگان می کاهند و مقصود از سهامداران تقریباً همان مردم (زیردستان) است و نخبگان به افراد بالا دستی اشاره دارد. (البته دارای کاربرد های متفاوت در جایگاه های گوناگون می باشد) که دارای سه بخش عمومی خصوصی و مدنی است. پس اگر در یک کشور هم بخش عمومی هم بخش خصوصی و مدنی وجود داشته باشد یعنی حرکت

به سمت حكمرانی بیشتر است .

حكمرانی دارای ویژگی هایی مانند : مشروعیت ، پاسخگویی، شفافیت، مشارکت و مقبولیت می باشد که سطوح ساختار حكمرانی در کشور ما به این صورت است که چهار سطح را در بر می گیرد:

اولین سطح ، مدیریت راهبردی می باشد : نهاد رهبری ، مجلس خبرگان و مجمع تشخیص مصلحت نظام که کارشان تدوین خط مشی کلی و یا سیاست های کلی است را در بر می گیرد .

سطح دوم سطح مدیریت سیاسی می باشد : شامل رئیس جمهور و هیئت وزیران و ... است که وظیفه آنها تدوین خط مشی عمومی و کمک در تدوین خط مشی های کلی می باشد .

سومین سطح مدیریت دولتی می باشد : شامل مدیران کل سازمانهای دولتی و رتبه های پایین تر در ارگان های دولتی را در بر می گیرد که وظیفه شان اجرای خط مشی های عمومی و کمک و مشارکت در تدوین خط مشی عمومی می باشد .

حال با توجه به مطالبی که گفته شد تعریف مدیریت دولتی آسان تر می شود ، البته در این مورد تعاریف زیادی وجود دارد که از معروف ترین آن ها رابرت

باب دنهارت است که میگویند :

مدیریت دولتی یعنی مدیریت فرآیند و تغییر در راستای تحقق ارزش های اجتماعی عامه .

دکتر دانایی فرد می گویند :

مدیریت دولتی یعنی مدیریت مسائل عمومی در جهت تحقق منافع عمومی .

دکتر نرگسیان از اساتید برجسته در حال حاضر دانشگاه تهران تعریفی دیگر ارائه می دهند:

مدیریت دولتی یعنی مدیریت مسائل عمومی از طریق خط مشی عمومی و از باب ارائه خدمات عمومی در جهت منافع عمومی.

حال این سوال پیش می آید که آیا مدیریت دولتی را می توان یک علم به معنای تجربی آن به حساب آورد یا نه ؟

موضوعی که مشخص است ، مدیریت دولتی با انسان ها و رفتارشان سروکار دارد و رفتار انسان ها غیر قابل پیش بینی و پیچیده است یا هنجارها و ارزش های در این رشته ، نسبی هستند و عدم ثبات در انواع بسترهای اجتماعی وجود دارد بنا به این دلایل نمی توان مدیریت دولتی

را یک علم به معنای تجربی آن که حسی و آزمون پذیر است به حساب آورد.





# دل نوشتنه

## سوگل امینی

## پدر رفت و سوار آمد

پدر رفت و آمد سوار...  
 اوست که میداند و اوست که می شنود، درد دل درمندان عاشق را...  
 اوست که می گیرد و ما خندان به دیدار او بیم  
 آری او، همان او که نیست و هست...  
 همان که نامش مهدی است و مرامش هادی!  
 آمده هدایت کند و راه کوهستانی و سخت رسیدن را کوتاه  
 میگوید وقتی که بیاید جا الحق و زهق الباطل می شود همه چیز... بند ظلم از گردن ها باز می شود و دست ها به هم می رسند و چه رسیدنی  
 ست  
 و شاد خواهیم بود ...  
 می آید تا دست بگیرد و گره بگشاید  
 آری آن که بیاید چه فرخنده روزی است و چه فرخنده عیدی ... نه بند اسارتی هست نه مستبندی نه بتی...  
 به امید روز رهایی و به امید شادی زاید الوصف، مشتاقان رهیم...  
 بسم الله...

## راه حرم

به راه کربلا فکر می کنم، دیده هایم را مرور میکنم، ندیده هایم را تصور میکنم  
 این مسیر تنها به حرم ختم می شود؟  
 می روی و می روی و می روی...  
 روبه رویت حرم در دلت هرم... چه از این بهتر اما...  
 پایان راه همین جاست؟  
 نه... نهایت این عظمت جای دیگر است آن دیگر است  
 در رسیدن به هر عمود رازی نهفته است  
 رازی که از غیبت کبری شروع شد و هر روز سر به مهر تر می شود...  
 این راه ادامه دار است آری  
 مگر راه عشق تمامی دارد؟ خوشا بی مقصدی ...  
 اما این بار فرق میکند راه به او ختم می شود نه خستگی دارد نه رنج، حلاوت است و شور...  
 راه رسیدن است به شعور به حضور به ظهور...  
 پس پیاده باشی یا سوار، فقیر باشی یا غنی، پیر باشی یا جوان چه فرقی دارد وقتی نهایت اوست  
 آری نهایت اوست